

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۶۹

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۳ تیر ۱۳۸۶، ۴ ژوئیه ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیان abdolgolparian@yahoo.com

اعتراض در مترو آریاشهر

سه‌شنبه بندی بنزین در منطقه سردار جنگل يك نفر بسیجی زیر دست و پای جمعیت و حمله مردم کشته شده است و رژیم در این مورد سکوت کرده است. این خبر از يك شاهد عینی نقل شده است.

مقابله با اعتراض مردم وارد عمل شدند. از سوی دیگر بلافاصله سرویس های اضطراری بسیاری آوردند که مردم را منتقل کنند و سرو صدا بخوابد. مردم نیروهای انتظامی را هو می‌کردند و به واگن ها حمله می‌کردند.

گزارش از مصطفی فرهادی

بنا به گزارش مصطفی فرهادی خبرنگار حزب کمونیست کارگری از تهران روز (سه شنبه ۱۲ تیر) در مترو آریا شهر مردمی که منتظر رسیدن قطار مسیر تهران کرج بودند بدلیل تاخیر قطار دست به اعتراض زدند. جمعیت فوراً به حدود ۴ هزار نفر رسید و نیروهای انتظامی فوراً برای

خبرنگار حزب همچنین می افزاید که در درگیری های سه شنبه شب گذشته در اعتراض به

مرکز خبری
 حزب کمونیست کارگری
 ۱۲ تیر ۱۳۸۶
 ۳ ژوئیه ۲۰۰۷

سه‌شنبه بندی بنزین موقوف!



عبدالکلیان

میلیونها زن و مرد پیرو جوان و اخیراً هم طرح سه‌شنبه بندی بنزین که یکی از مواد مورد نیاز برای حمل و نقل و تردد شهروندان جامعه است، فشار چند برابری را به دردهای تا کنونی مردم افزوده است.

بنا به اخبار هفته گذشته، مردم خشمگین و ناراضی از این وضع، اقدام به آتش زدن دهها پمپ بنزین و دیگر مراکز دولتی در شهرهای مختلف کشور کردند و تا نزدیکیهای صبح با نیروهای بسیج و انتظامی درگیر شدند.

رژیم رو به زوال جمهوری اسلامی، هفته گذشته با سه‌شنبه بندی بنزین، محنت دیگری را به دردهای مردم اضافه نمود. ۲۸ سال حاکمیت شوم و ننگین این رژیم ضد بشری، عسارت بوده است از تحمیل فقر و تنگدستی، گرانی مایحتاج ابتدایی و اولیه، اعتیاد و تن فروشی، بی حقوقی کارگران، زن و کودک آزاری و اعمال حاکمیت و قوانین قرون وسطی ای بر

صفحه ۲

آنچه که بر مردم در جامعه ایران می گذرد

امید سرخ

صفحه ۶

تجمع اعتراضی رانندگان در مقابل استانداری کردستان

صفحه ۴

کارگران کارخانه نیرو و رخش کردستان دست به اعتصاب زدند

صفحه ۴

۵ کارگر در شهرستان سقز به دادگاه احضار شدند

صفحه ۴

۱۳ تیر ماه قرار بود خالد هردانی اعدام شود. به دلیل اعتراضات گسترده به این حکم، جمهوری اسلامی عقب نشست

صفحه ۴

تجمع اعتراضی نسبت به تصمیم اخیر دولت و سه‌شنبه بندی بنزین در شهرهای شوشتر و مسجد سلیمان

صفحه ۷

زنده باد اعتراضات مردم یاسوج و اصفهان به سه‌شنبه بندی بنزین مردم یاسوج نیروهای سرکوبگر را در خیابانهای شهر شکست دادند

صفحه ۷

جان دستگیرشدگان اعتراضات اخیر در خطر است!

صفحه ۷

صفحه ۸

دستگیری دوتفر از فعالین و اخراج چهار کارگر شرکت واحد و اخباری از اعتراضات کارگری در چند روز گذشته

دوستان مردم! یا دوستی خاله خر سه؟



ناصر اصغری

صفحه ۲



محمود صالحی
Mahmoud Salehi

محمود صالحی
 فعال اول مه سقز،
 باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود!

حزب کمونیست کارگری ایران
 Worker-Communist Party of Iran

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دوستان مردم؟! یا دوستی خاله خر سه؟

سه‌میه بندی بنزین موقوف!

ارصفحه ۱

جدی مواجه ساخته است. کار حمل و نقل و امور مسافر بری که به این سوخت متکی است، زندگی و سطح معیشت مردمی را که به سختی قادر به تامین مایحتاج روزانه شان هستند، در وضعیت بشدت دردناکی قرار داده است.

باید در مقابل این طرح های ضد بشری رژیم اسلامی ایستاد و آنرا خنثی کرد، با اعتراضات وسیع و گسترده، با اتحاد و همبستگی در میان بخشهای مختلف جامعه و تجمع در مقابل نهادهای حکومتی، باید کاری کرد که رژیم سه‌میه بندی بنزین را پس بگیرد.

نباید گذاشت که این رژیم مستاصل و رو به زوال، بیش از این بر ما مردم فشار و فقر تحمیل کند. مبارزه یکپارچه، گسترده و متحدانه علیه لغو سه‌میه بندی بنزین می تواند رژیم اسلامی را در موقعیت دفاعی و برای پس گرفتن این طرح وادار نماید. تنها ضامن موفقیت برای ناچار کردن رژیم به عقب نشینی و برای برجیدن کل دم و دستگاه ضد بشری اش، اعتراضات وسیع، یکپارچه و متحدانه ما مردم است که می تواند اوضاع فلاکت بار موجود را تغییر دهد.

* * *

سه‌میه بندی بنزین، دستگیری فعالین کارگری، دخالت در زندگی روزمره مردم و دهها فشار دیگر توسط جانیان و اوباشان رژیم اسلامی علیه مردم، نشان از وضعیت وخیمی دارد که سراپای این رژیم را فرا گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی در حالی اقدام به سه‌میه بندی بنزین نموده است که یکی از بزرگترین منابع نفتی جهان را در اختیار گرفته است که از قبل آن سالهاست ثروتهای کلانی را به جیب زده و همزمان از دست رنج کارگران و با تحمیل فقر و تنگدستی به میلیونها انسان در این کشور، گله های آخوند و سرمایه دار را برای چپاول و سرکوب بیشتر تغذیه می کند. فشارهای مستعد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مردم در حالی صورت می گیرد که بیشترین کمکهای مالی رژیم به جریانات و باندهای تروریست در عراق و لبنان و فلسطین اختصاص دارد.

حاکمیت کثیف اسلامی طی این ۲۸ سال، کوچکترین امکانی برای امنیت، آرامش و رفاه مردم را باقی نگذاشته و روز بروز بر شدت فشارهای خود علیه زندگی مردم می افزاید. سه‌میه بندی بنزین، زندگی و امرار معاش مردم را با خطر

عوضی خواندن) ندارد؛ میخواهد مظلوم نمائی کند. اگر کسی او را طرفدار کارفرما خوانده است، مگر در صفوف کارگران طرفداری از کارفرما شاخ و دم دارد. به او گفته‌ایم که استاندارد کردستان... هم به کارگران متشکل در "اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار" گفته‌اند که تشکیل‌تان را منحل کنید و ما با شما مشکل دیگری نداریم. مشکل مظفر محمدی چیزی دیگری است.

مظفر محمدی همه اینها را میگوید؛ کلی حرفهای بیربط و ضد و نقیض به هم میسافد که بگوید عقب‌نشینی ضمنی کرده است. لازم است این را بگویم که وی از خواست انحلال تشکلهای و محافل کارگری کوتاه نیامده است، منتها لحن و ارائه بحث را عوض کرده است. مظفر محمدی صداقت سیاسی ندارد. یا بحثش درست است و حتی اگر تمام حیزش هم علیه آن شورش کند، باز میایستد و از آن دفاع میکند. اگر هم اشکال دارد، بگوید که اشکال دارد و پس میگیرد. چه کسی گفته که توبه کند. چرا به چنین شیوه ای متوسل شده است؟

مشکل تکرار

مظفر محمدی میگوید که "کارگرنیاهای را بهانه کرده تا حرفهای کهنه خود را که قاعدتا تصور میرفت از تکرار آن شرم کنند، را تکرار کنند!" درست یک سطر بعد از روی کاغذ آوردن این جمله مینویسد: "اینها از اینکه ما به مردم گفتیم که با هخا نروید! به مردم گفتیم که دنبال جریانات ارتجاعی و فاشیستی آذربایجان نیفتید! با الاحواز نروید! پرچم کردستان بزرگ را به بهانه اوجلان بلند نکنید!..." هیچ نوشته‌ای از همفکران مظفر نیست که چنین جملاتی را تکرار نکرده باشد. حتی یک بار هم یک پاراگراف استدلال پشت این گفته‌هایشان نیست. مرتب دارند طوطی‌وار تکرار میکنند و واقعا هم آدم باید وضعش خیلی خراب باشد که به دیگران نصیحت کند، اما یک سطر بعد همان کار را خودش بکند؟! بهتر بود برای صحت این گفته‌هایشان فاکتی از نوشته

نوشته انحلال‌طلبانه اش در شماره ۱۴۴ همان نشریه، مطلبی دارد به اسم "دوستان مردم کیانند؟". این نوشته يك عقب‌نشینی در نحوه ارائه همان بحث است. این عقب‌نشینی را نقدهای ما به او تحمیل کرد. ناراحتی و شخصی کردن مسائل از جانب مظفر محمدی انعکاس همین فشار است. ادعا کرده است که آنچه را که به او نسبت داده‌ایم واقعیت ندارد. در جواب نوشته مظفر محمدی ما ۵ مطلب نوشتیم. سطر بسطر نشان دادیم که ایشان فراخوان انحلال تشکلهای و محافل کارگری را داده است. صرفا با گفتن اینکه "من چنین حرفهایی نزده‌ام" دردی را از ایشان دوا نخواهد کرد. ما از آن مطلب عکس گرفته ایم. ایشان گویا دلسوز کارگران بوده‌اند و ما شلوغ کاری کرده‌ایم و خواستهای حرفهای دیگری بنزیم. کسی که "حرف دیگری" برای گفتن داشته باشد، لازم نیست منتظر بهانه بماند؛ حرفش را میزند. ادعا کرده است که به وی فحاشی شده است و گویا انسان در نگرش ما جانی نداشته است. متأسفم که ایشان به چنین شیوه‌ای متوسل شده است. لازم به مظلوم نمائی و لحن عوض کردن نیست. توصیه من این است که نشان بدهد کجا به ایشان فحاشی شده است. کسی به مظفر محمدی هیچ برخورد شخصی نکرده است، اما برعکس او افراد را مورد طنز و اهانت قرار داده است. میگوید: "آسنگران این اورجینال ناپلئون و آدم "بزرگ" همفکرانش"، و یا "دعوای این ناپلئونهای بزرگ بر سر..." و "به سبک شعبده بازها" و حتی گفته کسانی با اسم مستعار به جنگش رفته‌اند. این یکی دیگر خیلی نازل است. کدام يك از ما را نمی‌شناسید تا برایتان مشخصات نویسنده را بفرستیم؟! اگر بی‌پرنسیپی بوده از شماست نه از دیگران.

ما در نوشته‌هایمان با رجوع به متد و بحث مظفر محمدی نشان داده ایم که بحثش ضدکارگری، طرفدار کارفرما و غیره است. بحث سیاسی کردایم و دلائلمان را هم ارائه داده‌ایم. مظفر محمدی مشکل dyslexia (وارونه خوانی،

نوشته مظفر محمدی در جواب به نقدهای ما، نمونه‌ای از عصبیت فردی است که میخواهد اسکاندال (Scandal) نوشته قبلی‌اش را با شخصی کردن مسئله ماستمالی کند. من مظفر محمدی را شخصا نمی‌شناسم. هیچوقت ندیده‌ام. به نظر من حزب ایشان هم جایگاهی در دنیای سیاست ندارد. بیخود دارد این تصویر را میدهد که گویا از آنها "فرت" داریم. سیاستهای اتخاذ کرده‌شان آنها را از هم خواهد پاشید. اگر این از هم پاشیدن دو روز هم بیشتر طول بکشد، روز سوم خوشی در انتظارشان نیست.

تا جایی که ما خبر داریم نوشته او و نقد ما به آن باعث اعتراض وسیعی در صفوفشان شده است. بحثش چنان شور است که هیچکس در صفوف خودشان هم جرأت دفاع علنی از آن را تا بحال نداشته است. دفاع از آن را تماما به خود مظفر محمدی واگذار کرده‌اند. توصیه میکنم کسانی که نوشته اول ایشان را خوانده‌اند، حتما نوشته دوم ایشان را نیز مرور کنند. اما همچنانکه در نوشته "خدا از دست دوستانم نجاتم دهد!" گفتم که این نوشته موضع اصلی حیزیشان است. رحمان حسین زاده، نیز در شماره ۱۴۵ نشریه اکتبر، ضمنی به بحث مظفر محمدی اشاره کرده و از آن دفاع میکند.

من در این نوشته نکته دیگری در باره بحث انحلال طلبانه و ضدیت با متشکل شدن مظفر محمدی در "کدام تشکل کارگری؟" ندارم. سعی میکنم به نکات دیگری از مواضع پیردازم.

برخلاف میل باطنی‌ام، در این نوشته دوست دارم که اینها را "حزب حکمتیست" بخوانم؛ چرا که اگر یکبار دیگر مظفر محمدی و دوستانش در روستای "لنج آوا" مشغول پخش کارت پستال "زنده باد عبدالله دارابی" که زیر آن امضا "حزب حکمتیست" هست شدند، خادم مسجد بدانند که با چه کسانی طرف است.

عقب‌نشینی صوری

مظفر محمدی در نشریه اکتبر شماره ۱۴۶ در جواب به نقد ما به

دوستان مردم! یا . . .

جریان اینترنتی به نام الاحواز، که هیچگونه وجود خارجی ندارد چیزی میگوید، "حزب حکمتیست" فوراً فراخوان میدهد که مردم اعتراض نکنند این اعتراض مال الاحواز است. اینها اما با این متد و روش به منصور حکمت هم آویزان شدهاند. در دستگیری اوجالان و شلوغی شهرهای کردستان، اتفاقاً این خود منصور حکمت بود که همان موقع در مجله "پوشه" جواب این متد کوروش مدرسی امروز را داد.

ما در حزب کمونیست کارگری رهبری اعتراضات را در دست داشتیم. منبع خبر و مراجعه مدیا شده بودیم. اینها دلشان نمی خواهد به آن دوران برگردند؛ چرا که امروز دنیا را جور دیگری میبینند. "آی سناریو سیاه شد"، "آی هخا آمد و دنیا را گرفت"، "آی کمونیستها هیچی نیستند" و "آی مبارزه سیاسی را تعطیل کنیم" و غیره، همه از همین تغییر ریلهاست.

مظفر محمدی میگوید: "قهرمان سازی از کارگر و تبلیغات پوپولیستی و فرقه ای حول و حوش تحركات کارگری و مردم کار ما نیست." کسی نگفته این کار شماست! اتفاقاً کارتان شده تو سر کارگر و مردم معترض زدن. هیچ اعتراضی در این چند سالی که از حزب کمونیست کارگری جدا شده اید را حمایت نکرده اید. به بهانه های واهی و پوچ، به بهانه "پوپولیستی"، "قهرمان نساختن از کارگر"، "فرقه ای" و غیره که فقط مایه ایزوله و تسمخر خودتان شده، این اعتراضات را تخطئه کرده اید.

کارشناسی بی مسئولیت مسائل کارگری

مظفر محمدی گفته است که دهها نوشته دیگر در عرض یکی دو سال گذشته نوشته است. متأسفانه نوشته های دیگرش را به دقت دنبال نکرده ام. همین نوشته "کدام تشکل کارگری؟" شان را هم یکی از دوستان حزب خودشان توصیه کرد که بخوانم. در آن نوشته ها چه چیزی گفته اند خبر ندارم اما بررسی نوشته های اخیرشان شاید سر نخ از نوشته های دیگر ایشان را به دستمان بدهد که چگونه مسائل و مشکلات جلوی پای جنبش کارگری را تجزیه و تحلیل و بررسی میکنند.

در نوشته قبلی به نکته اصلی نوشته ایشان، که همانا منحل کردن تشکلهای و محافل تازه پا گرفته کارگری بود، پرداختم. ایشان اما بر این نکته که "این تشکلهای و فعالین آن فرقه ای هستند"، پافشاری کرده است. فعالین کارگری با هزار خون دل خوردن و تلاش علییه موانع و ترس و تفرقه و هزار دردها و خطرات دستگیری و سرکوب و غیره تشکلی درست میکنند تا بتوانند کارگران را متشکل کنند. قرار نیست همین که با تئوری کسی نخواند و یا آن کس را خوش نیاید شروع به حمله به آن بکند! مظفر محمدی میگوید: "از نظر من و همانطور که در مطلب یاد شده آمده (منظور "کدام تشکل کارگری؟") است حساب تشکل کارگری از تجمع فرقه گرایانه چون کمیته پیگیری و همانگی و غیره جدا است. حساب کارگرانی چون شیث اماسی و خالد سواری و خیلی های دیگر از حساب کسانی که اتحادیه کارگران اخراجی را بخشی از سکت و یا دستکرد فرقه خود میدانند جدا است." تاکنون تعداد زیادی از اعضای مسئول این نهادها و محافل کارگری مصاحبه و اظهار نظر و غیره کرده اند. چطور شد که مظفر محمدی فهمیدند بعضی از اینها فرقه ای و بعضی حسابشان فرق میکند؟ این تفکیک برای چیست؟ آدم سیاسی بر اساس نوشته ها و فعالیتها و پراتیک يك تشکل موضوعی می کند. چرا سیاسی برخورد نمیکنید؟ این تفکیک که فلاتی و بهمانی حسابشان از بقیه جداست به چه منظور است و بر اساس کدام فعالیت این تشکلهای و نهادها این تفکیک و این صغیندی را کرده اید؟ دوست عزیز میدانید چقدر عدم احساس مسئولیت در این کار شماست؟ این با نقد فرق میکند. شما در نوشته اولتان زیرآب همه چیز را زدید. در این نوشته گرچه لحنتان را عوض کرده اید؛ اما بی مسئولیتی خارج از حدی از خود نشان داده اید! آیا میدانید این راهی که در پیش گرفته اید به کجا ختم میشود؟ امیدوارم کسی مسئول تر از خودت مانع رفتن به این راه باشد.

کارشناسی دست دوم مسائل کارگری

مظفر محمدی گفته است که با

محسن حکیمی قبلاً پلمیک کرده است. باید سر فرصت رفت و دید که ایشان آنجا چه چیزی گفته است. بنظر من هر دو يك خط را دنبال میکنند. اختلافاتشان صوری است. تا جایی که به بحث امروزمان برمیگردد، ایشان اتفاقاً از محسن حکیمی خط گرفته اند. رفته اند و بخشی از گفتگوی محسن حکیمی با مجله "نگاه" دفتر پانزدهم را برای بحث "کدام تشکل کارگری؟" کاپی و پست (Copy & Paste) هم کرده اند. مظفر محمدی هم مثل حکیمی مانع اصلی را احزاب در عدم تشکلیابی کارگری میدانند. به بحث مظفر محمدی توجه کنید: "مضرات این تحركات (کمیته های فوق) به نسبت منفعت آن قابل توجه است. از جمله، این گرایشات فرقه ای، غیر کارگری و سکتاریستی، بجای اینکه فعال کارگری را که در محل کار و زندگی اش رهبر مبارزه و سخنگوی منافع کارگر است، کمک کند تا کارگران را در همان محل کار متحد و متشکل کند، او را بیرون کشیده و عضو فرقه خود میکند." کمی پایین تر میگوید: "فرقه بازی احزاب و جریانات چپ سنتی از قديم تا کنون مانع جدی گسترش اتحاد و تشکل کارگری اند." و با نقل کردن بخشی از نوشته قبلی شان میگوید: "چسپیدن و پلکیدن این گرایشان در میان بخشهای کارگری پراکنده و کوچک و کم تأثیر کارگری، سکتاریسم و فرقه گرایی درون آنها و رقابتهای فرقه ای شان با هم، پراکندن سموم ضدیت با حزب و حزب گریزی در میان کارگران، بیرون کشیدن کارگر از محل طبیعی کار و زندگی و نامنویسی او در فرقه خود، گرفتن حق عضویت و تقسیم کار فرقه ای و روشهای ... ببینیم که محسن حکیمی در این باره چه میگوید. او در نوشته های متعددی همین نظر مظفر محمدی را تکرار کرده است. بطور مشخص در نشریه نگاه شماره پانزده میگوید: "بی تردید، مهمترین مانع متشکل شدن کارگران علیه سرمایه، استبداد و سرکوب سرمایه بوده است. ... اما سرمایه و نمایندگان سیاسی آن فقط در شکل استبداد و سرکوب عریان مانع تشکل ضد سرمایه داری کارگران نشده اند، در لباس دفاع از منافع طبقه کارگر نیز مانع تشکلیابی کارگران علیه سرمایه گشته اند. ...

نگاهی به صحنه سیاسی ایران در هفتاد - هشتاد سال اخیر نشان میدهد که جریانهای مدعی نمایندگی طبقه کارگر - از حزب کمونیست ایران در زمان رضا شاه گرفته تا کنون - مانع متشکل شدن توده کارگران علیه سرمایه شده اند. این جریانها از يك سو پیش روان کارگری را از توده کارگران جدا کرده و آنان را به صورت فرقه متشکل کرده اند و از سوی دیگر کوشیده اند توده کارگران را در سندیکاها و اتحادیه های وابسته به خود سازمان دهند." و نتیجه میگیرید: "در صورت باز شدن این گره حتا استبداد و دیکتاتوری سرمایه هم نمیتواند مانع متشکل شدن کارگران بشود!؟ بهروز خباز، یکی از هم نظران محسن حکیمی، هم در نشریه شماره ۹۲ و ۹۳ آرش همین نظرات را، البته کمی شورترش را، بیان کرده است. او میگوید: "تزدیکی و ارتباط این گرایشات با کارگران کاسبکارانه، فرصت طلبانه و در جهت جذب این یا آن کارگر به مثابه اعلامیه پخش کن، سیاهی لشکر و سرباز حزب از پیش ساخته ای این گرایشات است." به نظر میرسد مظفر محمدی با الهام از نوشته های اینها به جنگ تحزب کمونیستی کارگران آمده است. اگر این بحث ضد کمونیستی نیست، اگر ضد مبارزه طبقاتی نیست، پس چیست؟

شاید مظفر محمدی هم مثل ایشان ناراحتند که کسی به تزه ای انحلال طلبانه و تسلیم طلبانه ایشان روی خوشی نشان نمیدهد. این دیگر مشکل کارگر نیست، مشکل تزه ای ایشان است. ما همانموقع جواب بحثهای مشعشع حکیمی را در نشریه "کارگر کمونیست" شماره ۸ دادیم.

گرایشهای مختلف درون جنبش کارگری برای تأثیر گذاری بر این جنبش سعی در جذب رهبران این جنبش را دارند. مظفر محمدی این را برای گرایش سوسیالیستی و کمونیستی هم ممنوع اعلام میکند. یعنی همه را با يك چوب میرانند. البته در جایی در نوشته اش یادش نمیرود بگوید: "همزمان کارگران سوسیالیست و کمونیست را به حزب حکمتیست فرامیخوانیم." مطلبش از تناقضات در رنج بسیار است. مقولاتی که از آنها استفاده میکند مانند "پوپولیسم"، "چپ سنتی"، "فرقه"، "تشکل" و غیره، هیچگونه استدلالی پشت خود ندارند که معلوم شود واقعا مظفر محمدی از این مقولات درک کمونیستی دارد یا نه!

بهر حال بحثهای نوع بحث مظفر محمدی و محسن حکیمی حکایت از تحرك وسیع گرایش کمونیستی درون طبقه کارگر و سر بر آوردن گرایش تحزب در میان کارگران است.

دو خاتمه

بحث فراخوان انحلال تشکلهای و محافل کارگری توسط مظفر محمدی، نه پوشیده است که احتیاج به پرده برداشتن از آن باشد و نه ما سعی کرده ایم چیزی به او نسبت بدهیم که او نگفته باشد.

نکات متعدد دیگری در بحث مظفر محمدی هست که پرداختن به آنها اطلاق وقت است. حزب مظفر محمدی مواضعش در قبایل اعتراضات کارگری و توده های معترض بسیار عقیمانه تر از آن است که کسی بتواند در يك مقاله به همه جنبه های آن بپردازد. من خودم ترجیح میدهم بیشتر از این وقت صرف آن نکنم. همینجا بحث با مظفر محمدی و انحلال طلبی اش را خاتمه میدهم.

از سایت های حزب کمونیست کارگری ایران دیدن کنید

www.wpiran.org
www.rowzane.com

تجمع اعتراضی رانندگان در مقابل استانداری کردستان

بر اساس خبر رسیده حدود ۲۰۰ نفر از رانندگان مسافر کش شخصی سنندج و حومه امروز شنبه ۹ تیر ۱۳۸۶ در مقابل استانداری کردستان تجمع کردند. رانندگان ضمن اعتراض به سهمیه بندی بنزین اعلام کردند که زندگی و امرار معاش آنها در خطر قرار گرفته و با طرح سهمیه بندی بنزین نمیتوانند به شغل خود ادامه بدهند. رانندگان تجمع خود را به خاطر ثبت نام برای تبدیل خودروهای شخصی به خط ویژه اعلام کردند. آنها گفتند: مسافرکشی تنها منبع درآمد آنها است، اما با سهمیه بندی بنزین امکان کار کردن از آنها سلب شده است.

رانندگان قبل از این تجمع جهت ثبت نام برای تبدیل خودروهای شخصی به خط ویژه به اداره راهنمایی و رانندگی مراجعه کرده بودند. اما مسوولان راهنمایی و رانندگی آنها را به استانداری ارجاع دادند. رانندگان اعلام کردند که عده قابل توجهی از مردم این شهر با مسافرکشی زندگی خود را می‌چرخاند، اما با سهمیه بندی بنزین، دیگر امکان این کار هم

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
شنبه ۹ تیر ۱۳۸۶
۳۰ ژوئن ۲۰۰۷

کارگران کارخانه نیرو و رخس کردستان دست به اعتصاب زدند

کارفرما، اعلام کردند تا دریافت همه حقوقهای معوقه خود اعتصاب را ادامه خواهند داد. تا رسیدن این خبر اعتصاب همچنان ادامه دارد. حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از خواست کارگران نیرو و رخس همه کارگران را به اتحاد و همستگی فرامیخواند. ما همه مردم و کارگران سنندج را به حمایت از این اعتصاب فرامیخوانیم. دستمزدهای معوقه کارگران باید فوری پرداخت شود. اعتصاب کارگران نیرو و رخس شایسته بیشترین حمایت و اعلام همبستگی است.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
تیر ۹-۱۳۸۶-۳۰ ژوئن ۲۰۰۷

بر اساس خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز شنبه ۹ تیر ۱۳۸۶ کارگران نیرو و رخس کردستان در شهر سنندج در اعتراض به حقوقهای معوقه دست از کار کشیدند. کارگران این کارخانه ۴ ماه حقوق نگرفته اند. امروز با شروع اعتصاب کارفرمای این کارخانه، کارگران اعتصابی را تهدید به اخراج کرد. کارگران متحدانه در مقابل کارفرما ایستادند و اعلام کردند تا دریافت همه حقوقهای معوقه اعتصاب را ادامه خواهند داد.

بعد از چند ساعت که اعتصاب ادامه داشت کارفرما به میان کارگران آمد و اعلام کرد: اگر اعتصاب را تمام کنید حقوق یک ماه را پرداخت خواهیم کرد. کارگران در اعتراض به این سخنان

۵ کارگر در شهرستان سقز به دادگاه احضار شدند

سنندج- خبرگزاری کار ایران

یکی از فعالان کارگری شهرستان سقز گفت: شعبه ۱۰۲ جزایی دادگستری شهر سقز با ارسال احضاریههایی، ۵ نفر از کارگران سقزی به نامهای کامل حکیمی، خالد بیخانی، عطا حسینی، رحیم حسینی و انور حسین زاده را به اتهام اخلال در نظم عمومی به این شعبه احضار کرد.

به گزارش اینلنا، محمد عبدی پور افزود: این افراد به همراه جمعی دیگر از کارگران سقزی در اردیبهشت ماه سال جاری در اعتراض به دستگیری

محمود صالحی تجمع کرده بودند که توسط نیروی انتظامی دستگیر و پس از سیر مراحل قانونی، با قرار وثیقه آزاد شدند. وی با اشاره به مشکل دستمزد کارگران خباز و خودداری کارفرمایان از اجرای مصوبه شورای عالی کار، گفت: بعضی از کارگران با قیمت‌های توافقی پایین‌تر از این مصوبه کار می‌کنند، زیرا کارفرمایان ناوایی‌ها، قیمت نان را که در سال جاری ۲ تومان افزایش یافت، برای اجرای مصوبه دستمزدها کافی نمی‌دانند. عبدی پور تصریح کرد: حدود ۳۰

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

به ایسکرا کمک مالی کنید

جان محکومین به اعدام ادامه دارد. از همگان دعوت میکنیم اخبار مربوط به احکام اعدام زندانیان سیاسی را با ما در میان گذاشته و کمک کنند تا فعالیتهای ما بهتر و همه جانبه تر به پیش برود.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۳ ژوئیه ۲۰۰۷
www.adpi.net
manochermasori@yahoo.com
004670491749

۱۳ تیرماه قرار بود خالد هردانی اعدام شود. به دلیل اعتراضات گسترده به این حکم، جمهوری اسلامی عقب نشست

داشتیم. برگزاری میتینگ مشترک با عفو بین الملل در اعتراض به این حکم در استکهلم، ارسال نامه اعتراضی فرد میوزین از طرف میلیونها نفر کارگر و کارمند اتحادیه بریتیش کلمبیا در کانادا برای مقامات حکومت اسلامی در اعتراض به این حکم اعدام و سنگسار، اعتراض نمایندگان پارلمان در چند کشور اسکاندیناوی به این حکم، اعتراض پارلمان اروپا به این احکام و همچنین برگزاری میتینگ اعتراضی بزرگ بر علیه قتل عام دولتی در ایران در ادامه

شانس خود را در اجرای احکام اعدام بر علیه زندانیان سیاسی امتحان کند. اگر خالد را اعدام میکردند، نوبت دیگران میرسید و کمیته علیه اعدام بهمین دلیل این واقعه را یعنی وادار کردن زندانی به امضا حکم اعدام و تقلا برای اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی را بسیار جدی تلقی کرده و به این حکم و همچنین حکم سنگسار کبرا نجار که همزمان اعلام شده بود، بشدت اعتراض کرد. ما یک کمیسیون اعلام کردیم و در طول یک ماه اخیر مجموعه اعتراضات و مجموعه موفقیت‌هایی

صبح روز ۱۲ تیرماه طی خبری که به دست کمیته علیه اعدام رسید، مسئولین زندان گوهردشت اعلام کرده اند که تحت فشار گذاشتن خالد هردانی برای امضا حکم اعدام خود که قرار بود روز ۱۳ تیرماه اجرا شود، یک اقدام خودسرانه و فردی از سوی یکی از مسئولین زندان بوده و این حکم اجرا نمیشود.

این یک عقب نشینی از نوع عقب نشینی های قبلی جمهوری اسلامی است. ما اینرا همانگونه که بوده و هست توضیح میدهیم. حکومت اسلامی ایران سعی کرد

آنچه که بر مردم در جامعه ایران می گذرد

امید سرخ

وضعیت اسفناک زندگی مردم در ایران دل هر انسان شریفی را به درد می آورد. گرانی، بیکاری، فقر و فحشا و اعتیاد و همه و همه شاخصهای شناسایی زندگی مردم در این جامعه اند. هر روز بر ابعاد بیکاری افزوده میشود و دولت و سیستم سیاسی اقتصادی موجود توانایی ایجاد شغل برای این ارتش عظیم بیکاران را ندارد. دانشجویان این جامعه بعد از نزدیک به دو دهه تحصیل و با اتمام دروسشان تازه فقط به این خیل عظیم بیکاران افزوده میشوند و کاری برای آنها وجود ندارد. تن فروشی و فروش اعضای بدن به امری عادی در این جامعه بدل شده است. خرید و فروش مواد مخدر و پخش آن به کار کودکان تبدیل شده است.

سیستم موجود نه تنها هیچ تلاشی برای بهبود این وضع نا بسامان نمی کند بلکه بارها ثابت شده است این خود سرکرده های این نظامند که کار قاچاق و پخش مواد مخدر را در سراسر ایران در دست دارند. اینها برای خنثی کردن موج تعرضی جوانان این جامعه سالهاست که این کار را انجام میدهند. آنان که همیشه از یک جامعه پویا و از جوانان هراس دارند، طبیعی است دست به هر اقدام غیر انسانی از جمله پخش مواد مخدر در میان جوانان بزنند تا قدرت عمل واراده و تفکر را از آنان بگیرند.

حاکمان زندگی و معیشت مردم را طوری به گروگان گرفته اند که تمام انسانهای این جامعه در یک تنگنای تاریک تاریخی قرار گرفته و شب و روز باید آسمان و زمین را به هم ببافند تا بتوانند خانواده هایشان را زنده نگه دارند. در چنین جامعه ای که ثروت آن میتواند زندگی مرفه و طبیعی برای دهها و صدها میلیون نفره تنها ایران بلکه در سراسر جهان فراهم کند، کودکان و نوزادان آن دچار سو تغذیه میشوند و هر روز تعداد زیادی از مردم بر اثر بی کفایتی و بی لیاقتی حاکمان این جامعه قربانی میشوند. نبود بهداشت و نبود بیمارستان و درمانگاههای مجهز در شهرستانها، یا در راه انتقال بیماران به مراکز استانها، تا کنون بسیاری

جانشان را از دست داده اند. خودکشی و خود سوزی ابعاد دهشتناکی یافته است. روزی نیست که خبر یک یا چند خودکشی در شهر و روستای مجاور زندگیتان را نشنودید و از زندگی و سرنوشت دردناک آنان چیزی به گوش آدمی نخورده باشد. کودکان به جای تحصیل و شادی و سرگرمی به خیابان فرستاده می شوند تا کمک خرج خانواده ها باشند. با فرا رسیدن فصل تابستان و تعطیلی مدارس این کودکان در زیر گرمای شدید و سوزان مجبورند کار کنند تا هزینه تحصیل و یا بخشی از تحصیل سال آینده را فراهم کنند. عده کثیری از همین کودکان کم سن و سال مجبورند چهار فصل به خیابانها، کارخانه ها و کارگاهها بروند و برای امرار معاش خانواده هایشان کار کنند و واضح است که باند های قاچاق و مافیای انسان ممکن است چه بر سر این کودکان بیگناه بیاورند.

اخراج و بیکار سازی کارگران دیگر از سر تیتر اخبار خارج شده است و به امری هر روزه و عادی تبدیل شده است. سال ۸۶ و بقول کاربدستان رژیم با "بالا بردن" سطح دستمزدها هر روز شاهد اخراج سازی وسیع کارگران از کارخانه ها و کارگاهها هستیم و تا امروز به گفته رژیم نزدیک به دویست و پنجاه هزار نفر از کارگران اخراج و بیکار شده اند. کارگرانی هم که هنوز اخراج نشده اند مجبورند ساعتهای متوالی و پشت سرهم و با تمام توانشان کار کنند تا نکند کارفرمایانشان آنان را اخراج کند. تازه با این وضع همیشه حقوقهای پرداخت نشده یکی از مشکلات جدی کارگران است. از بیمه بیکاری و پزشکی و غیره خبری نیست و هر طور دلشان بخواهد با کارگران رفتار میکنند. اما اگر بخواهم از همه مشقات مردم در این جامعه بنویسم بی شک قلم از نوشتن می افتد و درد و رنج نانوشته به اتمام نمیرسند. اما با تمام وجود این سختی ها سوالی که اینجا مطرح است این است که چه باید کرد؟ چگونه میشود از دست این رژیم اسلامی ضد انسانی خلاصی یافت؟ اما جامعه ایران در برابر این

همه مشکلات هیچگاه تسلیم نشده است و امیدش را به تغییر و تحول از دست نداده است. بی شک جواب این سوالها آسان به نظر نمی رسند. هر کس که اوضاع سیاسی در ایران را تعقیب کرده باشد، به هیچ وجه نمی تواند انکار این حقیقت را بکند که مردم در ایران چه تلاش گسترده ای برای تحول و به زیر کشیدن حکومت جانیان اسلامی می کنند.

نارضایتی مردم و امید به دگرگونی ریشه ای در جامعه طوری که همگان را از زیر این زندگی مشقت آمیز و نکبت بار خلاص کند، هویدا است. اگر بخواهیم قدری بیشتر به این سوال اساسی چه باید کرد بپردازیم بدون شک ما را بر آن میدارد تحلیلی هر چند کوتاه از سیاست کل جریانات سیاسی چه در داخل و چه اپوزیسیون برون مرز داشته باشیم و این که چه راهکارهایی را برای این دگرگونی و تحول اجباری که جامعه در پیش گرفته است را جلو جامعه میگذارند. و اینکه ما کمونیستهای کارگری چه سیاستی را دنبال کنیم و چگونه میتوانیم به آلت رناتیوی برای این تغییر تبدیل شویم.

بی شک اگر این سوال را در دوره قبل از "اصلاحات" خاتمی طرح میکردیم خیل عظیمی از همین به اصطلاح سیاسیون و اپوزیسیون داخلی و خارجی پرو رژیم از اصلاحات و رفم حمایت می کردند. و این که مردم تنها راه خلاصی از این وضعیت را سرنگونی کل جمهوری اسلامی میدانند آنان را نگران و به هراس می انداخت. این اپوزیسیون پرو رژیم و بعضاً امروز پرو غرب چنان از خواست تحول مردم و اینکه این تحول ممکن است به یک انقلاب سراسری و همه جانبه در ایران تبدیل شود و دست آنها از قدرت کوتاه شود هراس دارند.

اینها مردم را از خواست تحول همه جانبه اجتماعی برحذر میداشتند و آنان را به رفم و اصلاح جمهوری اسلامی دلخوش میکردند. ولی امروزه وضعیت به کلی تغییر کرده است. بعد از شکست دوم خرداد و عمر خریدن برای رژیم جانیانکار اسلامی جریانات "اصلاح طلب" یک بار دیگر سرشان به سنگ خورد. تعدادی از آنها امروز سرنگونی طلب شده اند و مجبور شده اند به جنبش سرنگونی طلبی مردم

ایران لبیک بگویند. این در واقع شکست کل طرح و تئوریهای اپوزیسیون پرو رژیم و پرو غرب را نشان میدهد. این که امروز بخشی از این جنبش ملی اسلامی سرنگونی طلب شده اند نه از خواست قلبی و سیاسییشان بلکه از نا چاریشان است.

آنها متوجه شدند که جامعه علیه این نظام ضد انسانی ایستاده است و هر روز بیشتر و بیشتر شاهد ابعاد وسیعتری از درگیری و کشمکش میان مردم و رژیم هستند. کارگران علی رغم "حرام" بودن اعتصاب، اعتصاب براه می اندازند، زنان به شدت برای بدست آوردن حقوق برابر خود میجنگند، دانشجویان هر روز اعتراضات خود را عمق و گسترش میدهند.

خلاصه چشم پوشی از این همه نارضایتی و عزم جزم کرده مردم برای سرنگونی این حکومت، برای جنبش اصلاح رژیم هر چند گران به نظر میرسد اما ناچارند چشمانشان را بر این حقایق باز کنند.

راهکارهایی که این جریانات راست ناسیونالیست و ناسیونال-اسلامی و ضد تحول پایه ای، بعد از شکست اصلاحات ارائه می کردند مثل طرح اصلاحاتشان به شکست مفتضحانه ای انجامید. تمام راهکارهای که این نو سرنگونی طلب ها ارائه میدادند و جلو جامعه میگذاشتند باز هم هراس از انقلاب اجتماعی در ایران بر رخسار کل سیاستشان پیدا بود. مدتی رفتارندوم پیشنهاد میکردند، مدتی نافرمانی مدنی می خواستند و بخشی از آنها به حمله آمریکا دلخوش کرده بودند و تعدادی هم مفتضحانه از این مضحکه به مضحکه دیگر دخیل می بستند.

تمام این خیالبافی های آنان به خصوص بعد از حمله آمریکا به عراق و شکست و گریز افتادن در باتلاق عراق به باد فنا سپرده شدند. تا جایی که به سیاست در ایران مربوط است، آنان شعور سیاسی مردم را به صخره میگرفتند اما مردم جواب قاطع خود را چندین بار به آنها دادند که از جمله آنها میتوان به اعتراضات دانشجویان، کارگران و زنان و معلمان و همچنین اعتراضات شهرهای کردستان در تابستان ۸۵ و اعتراضات مردم شهر های آذربایجان و اصفهان و

خوزستان نیز اشاره کرد که این اعتراضات همه يك واقعیت را بخوبی نشان می دادند، مردم در ایران سرنگونی جمهوری اسلامی را خواستارند.

توهم اپوزیسیون پرو رژیم و یا ناسیونالیسم ایرانی که بعد از حمله آمریکا به عراق، فکر میکردند جامعه عراق به يك جامعه دلخواه آنها تبدیل میشود، آرزو میکردند آمریکا به مدد آنها بیاید و جمهوری اسلامی را برایشان سرنگون کند! حمله آمریکا در اوایل حتی در میان بخش قابل توجهی از خود مردم ایران به يك آرزوی قلبی تبدیل شده بود، اما با فعالیت آگاهگرانه جریاناتی مثل ما و شکست سیاست های آمریکا در عراق اکنون فضا کاملاً تغییر کرده است.

اما اپوزیسیون سرگردان بعد از شکستهای پی در پی باید باز هم بشینند و جلسات را بگیرند و طرح جدید خلق کنند؟! در جریان این تحولات بخشی از اصطلاح چپها نیز در این بسته قرار می گرفتند. کم نبودند چهایی که انقلاب را خشن و خونی فرض میکردند و مردم را از عواقبش میتراساندند و مردم را به هراس می انداختند. اما امروز که نگاه میکنیم مبینیم اغلب سازش طلب ها و فرصت طلب های کمپ راست، سرنگونی طلب شده اند. آنها میدانند که کشمکش میان مردم و جمهوری اسلامی به لحظه سرنوشت ساز خودش نزدیک شده است و هر آن ممکن است این آتشفشان جامعه فوران کند.

واضح است برای تحلیل و بررسی جو سیاسی حاکم بر جامعه و تائید صحت گفته های قبلی ما، قبل از هر چیز اعتراضات، خواسته ها و مطالبات مردم و چگونگی و محتوای این اعتراضات را باید بررسی کرد و در مورد آن به قضاوت نشست.

به گفته خود سران جمهوری اسلامی هر ماه دهها و صدها اعتراض کارگری و دانشجویی و اعتراضات شهری در افسی نقاط ایران اتفاق میفتد، که در همه اینها چند نکته اساسی به چشم می خورد: یکی اینکه ماهیت تمام اعتراضات موجود ضد حکومتی و سرنگونی طلبانه هستند. دوم در تمام این اعتراضات چه اعتراضات کارگری و

از صفحه ۵

آنچه که بر مردم در . . .

دانشجویی وجه اعتراضات زنان و غیره، شعار آزادی و برابری به شعار اصلی و همه گیر کل اعتراضات در جامعه بدل شده است و سوم اینکه هر جا و در هر نقطه ای در ایران که درگیری با افراد سرکوبگر رژیم اسلامی اتفاق می افتد اولین اقدام مردم حمله به نهاد ها و سنبل های سرمایه داری و مذهبی است. این مسئله خود بیانگر وجواب خیلی از مسائل است.

مردم در هر فرصتی به مذهب حمله میکنند و مساجد را به عنوان سنبل ضد انسانی گری مذهبی مورد حمله قرار میدهند و اگر دستشان برسد آنان را آتش میزنند و نفرت خود را از مذهب و حکومت مذهبی ابراز میکنند. بانک را مورد حمله قرار می دهند و بدست تمام تیره گیهای زندگی خود را در سرمایه داری عقب مانده اسلامی میبینند و سنبلهای آن را مورد حمله و تجاوز قرار میدهند .

درست شدن تشکلهای کارگری علی رغم خفقان شدید جمهوری اسلامی هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرند و کارگران هر روز منسجم تر و با برنامه تر در مقابل جمهوری سرمایه داری اسلامی قرار میگیرند. زنان در طول حکومت ننگین اسلامی هیچگاه توحمی ندادند و هر روز با هر اهرمی که دم دستشان بوده به مقابله و تعرض به کل بنیان این حکومت ضد انسانی پرداخته اند. مردم هر جا با مشکلی

تحمیل کنند در آن شعارها و قطعنامه های سرخ تر و سوسیالیستی تری ارائه کرده اند. شعار آزادی و برابری در جامعه طوری همه گیر شده است که حتی تلویزیون صدای آمریکا هم نمی تواند منکر این قضیه شود و در برنامه همین چند روز پیش که در مورد پناهندگان ایرانی نشان می داد تیتر زده بود، زنده باد آزادی زنده باد برابری و زنده باد یک دنیای بهتر و این واقعیت را در جامعه و خارج کشور علی رغم میل باطنیشان فهمیده اند که چه به چه نیروی عظیمی در جامعه بدل شده است.

اکنون واضح است که اعتراضات و خواسته های جامعه تحت تاثیر مستقیم همین چپ انقلابی و رادیکال قرار گرفته است. بی شک چنین تاثیری به خودی خود به وجود نیامده و نخواهد آمد. این حاصل تلاش سوسیالیستها و کمونیست هایی است که در این جامعه تلاش بی وقفه ای کرده اند.

چپ جامعه سعی در هدایت این جنبشهای اعتراضی به سوی یک حکومت و کارگری و سوسیالیستی را دارد و از یک حزب سیاسی بسیار قدرتمند و بابرنامه برخوردار است. این حزب کمونیست کارگری. این حزب هر جا امکان داشته است، تشکلهای تجمعات و اعتراضات کارگری را به خوبی هدایت کرده است. در دانشگاهها و در میان جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان پایه های محکمی ایجاد کرده است. طوری که توجه بخش قابل توجهی از جامعه نسبت به این حزب جلب شده

است. امروز دیگر عیان است این حزب، حزبی کارگری و رادیکال و با افق است که هر روز بیشتر و بیشتر از جامعه نیرو میگیرد و آنان را برای یک انقلاب اجتماعی همه جانبه و سوسیالیستی آماده میکند. این حزب هر چه تمامتر به پیش می تازد و همین امروز حزب کمونیست کارگری قاطع و جسورانه با برنامه ای کمونیستی در میان جامعه، کل جریانات سیاسی از چپ و راست را بدرجاتی حاشیه ای کرده است.

اما مسلما کار ما کمونیستهای کارگری و حزیمان به اینجا ختم نمیشود. موقعیت فعلی ما را بر آن میدارد تا هر چه پرقدرت تر در متشکل کردن جامعه برای یک انقلاب اجتماعی همه جانبه ظاهر شویم. و برای این کار باید سیاست قاطعی بکار ببندیم. سیاستی با بازدهی سریع و یک سیاست کمونیستی و سوسیالیستی باشد را باید در اولویت کارمان قرار دهیم.

ما فعالین حزب در داخل و همچنین حزب در خارج باید قویا از تشکلهای کارگری و دانشجویی و جنبش آزادیخواهی زنان حمایت کنیم و آنان را با نهاد های بین المللی حقوق بشری و نهادهای مترقی و اتحادیه های کارگری پیوند دهیم تا جمهوری اسلامی نتواند گزندگی به این انسانهای آزادیخواه وارد کند .

حزب و ما فعالین حزب در داخل باید تلاش کنیم که در راس جنبش اعتراضی و انقلابی مردم قرار بگیریم. و به پرچمدار و سخنگویان رادیکال جامعه تبدیل شویم. جامعه به ما

نشان داد که ما را باتمام وجود فریاد میزند و این را ما باید بشنویم و پاسخی عاجل برای این مسئله داشته باشیم. من فکر میکنم آخرین پاسخ مثبت و درخوری که حزب به جامعه داد کنگره منظم و لبریز از شور و شوق و کمونیستی حزب کمونیست کارگری بود. کنگره ۶ حزب نشان داد که جواب جامعه را دارد و مثل همیشه پیشاهنگ انقلاب اجتماعی در جامعه است. ولی با تمام اینها کوهی از کار و تلاش را باید کرد تا این نقش و رسالت را به سرانجام برساند. باید تلاش کرد این جنبشهای عظیم اعتراضی را طوری با هم پیوند داد که ما قادر باشیم انقلاب آتی را در ایران هدایت و به موفقیتی برسانیم که پیروزی را تضمین کند. ما امروز باید از این قطبی شدن و پلاریزگی جامعه نهایت استفاده را ببریم و انقلاب آتی را در ایران به یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی تبدیل کنیم. ما قادریم و باید این رسالت تاریخی را که بر دوش ما کمونیست های کارگری افتاده است را به سرانجام برسانیم. تلاش ما باید به جایی برسد که شاهد جامعه ای آزاد و برابر و انسانی باشیم. کمونیسم مارکس و منصور حکمت راهنمای پراتیک ما است. ما با این تصویر باید در مبارزات جاری دخیل بشویم که الگویی برای کل جامعه بشری باشد تا بشریت متمدن از دست این سرمایه داری ضد بشری رهایی یابد.

به امید پیروزی
زنده باد آزادی و برابری
زنده باد حکومت کارگری

زنده باد جنبش ۱۸ تیر!

۱۸ تیر

روز مرگ بر جمهوری اسلامی

روز آزادی و برابری

روز فریاد برای آزادی زندانیان سیاسی

روز "نه" به آپارتاید جنسی

روز اعتراض به محرومیت و فقر و بیکاری

روز اعتراض به خفقان و سرکوب و شکنجه و اعدام

روز "نه" به حکومت مذهبی

حزب کمونیست کارگری ایران



تجمع اعتراضی نسبت به تصمیم اخیر دولت و سهمیه بندی بنزین در شهرهای شوشتر و مسجد سلیمان

بنابه گزارش دریافتی قبل از ظهر روز یکشنبه ۹ تیر حوالی ساعت ۱۱ بیش از یکصد راننده به همراه سه چرخه های خود در مقابل فرمانداری شهرستان شوشتر واقع در خیابان طالقانی این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. سه چرخه داران به اقدام اخیر دولت نسبت به سهمیه بندی بنزین بشدت معترض بودند. آنان تنها از طریق حمل خرده بار در سطح شهر در شرایطی طاقت

فرسا و بدون بهرمندی از کمترین امکانات رفاهی و ایمنی با سه چرخه هائی که عمدتاً بصورت اقساط خریداری کرده اند زندگی خود و خانواده هایشان را تامین میکنند. تجمع اعتراضی رانندگان سه چرخه ها در گرمای شدید این روز، مصمم و متحدانه در برابر فرمانداری تجمع کردند و خواهان لغو سهمیه بندی بنزین شدند. آنان اعلام کردند که با سهمیه

شهرستان مسجدسلیمان مردم معترض که بیشتر آنان را جوانان تشکیل میدادند در میدان نمره یک نسبت به تصمیم اخیر دولت جمهوری اسلامی مبنی بر سهمیه بندی بنزین و گران شدن آن دست به تجمع اعتراضی زدند. در این روز در حالیکه جمعیت معترض رو به افزایش بودند و میخواستند بطرف خیابان مرکزی شهر (خیابان آزادی) حرکت کنند، یکی از مامورین نیروی انتظامی که مسلح بود اقدام به جلوگیری از حرکت و تجمع معترضین نمود. اما این حرکت

نیروهای انتظامی با اعتراض و خشم مردم مواجه شد و مردم بجان آمده مامور مذکور را در محاصره خود گرفته و بشدت او را کتک زدند. سرانجام با حضور ماموران مسلح نیروی انتظامی و سرکوبگران که با تیراندازی برای متفرق کردن مردم همراه بود، این تجمع اعتراضی پراکنده شده و پایان یافت. بدین ترتیب مردم با تقابل خود با تهاجم ماموران و سرکوبگران درس فراموش نشدنی به آنان دادند.

خبرنگار
حزب کمونیست کارگری ایران
مهرداد امیری

زننده باد اعتراضات مردم یاسوج و اصفهان به سهمیه بندی بنزین مردم یاسوج نیروهای سرکوبگر را در خیابانهای شهر شکست دادند

در پی اعتراضات مردم به سهمیه بندی بنزین و حمایت های خاصه ایی از این اقدام دولت و مجلس، چهارشنبه ۶ تیر ۸۶ مردم یاسوج با نیروهای سرکوبگر حکومتی که شامل یگان های ضد شورش شهر یاسوج و نیروهای اعزامی از اصفهان بود درگیر شدند. نیروهای مسلح لباس شخصی و گارد ضد شورش در مقابل مردمی که با چوب و سنگ به آنان حمله می کردند، از میدان جهاد تا میدان استانداری به فاصله ۳ کیلومتر مجبور به عقب نشینی شدند.

گونه خسارتی وارد نکردند. در این اعتراضات نیروهای لباس شخصی به سوی مردم شلیک کرده و بنا به اخبار بین ۲ تا چهار نفر را کشته اند، ده ها نفر زخمی که حال تعدادی از آنان وخیم است، حدود ۴۰۰ نفر را نیز دستگیر کرده اند و هنوز به دنبال مردم معترض و در صدد دستگیری آنها هستند. اسامی دو تن از کشته شدگان اعتراضات در یاسوج جواد زمانی فرزند شیروان ۲۱ ساله و سید رضا خادمی فرزند گل محمد ۲۵ می باشد.

در اصفهان نیز بنا به گزارش خبرنگار سازمان جوانان کمونیست کامران روشن، در پمپ بنزین چهارباغ این شهر مرد جوانی که برای موتور خود بنزین می خواست با مامورین انتظامی درگیر شد. این

مرد ابتدا با مسئولین پمپ بنزین درگیر شده بود و از شدت عصبانیت و ناراحتی خود را به پمپ بنزین کوئید به طوری که شیشه پمپ را شکست و آن را خراب کرد که این باعث زخمی شدن سر و صورت این مرد جوان هم شد در این هنگام مردم با دخالت خود تلاش کردند مرد مجروح را به بیمارستان منتقل کنند که مامور پلیس مستقر در پمپ به گشت یگان ضد شورش اطلاع داد و نیروهای سرکوب گر بلافاصله به پمپ بنزین رسیدند و با باتوم به مردم حمله کردند و مرد مجروح را با ضرب و شتم به ماشین های خود منتقل کردند. مردم خشمگین علیه احمدی نژاد و خامنه ایی شعار می دادند و مرد جوان را تحسین میکردند، همه میگفتند که باید از او یاد بگیریم باید اعتراض

کنیم. جانمان به لب رسیده، پول این بنزینها به کجا می رود؟ این وضع تا کی ادامه مییابد؟ چرا وضع ما که روی دریای نفت هستیم، این است.

اعتراض و درگیری با نیروهای انتظامی و گارد ضد شورش همچنان در شهر های مختلف در جریان است و مردم مترصد موقعیت هستند تا به ساختمان های دولتی بانک ها و هر جایی که نشانی از ستم بر مردم و استثمار دارد حمله کنند. اعتراض و شیوه حمله مردم یاسوج به مکان های دولتی نشان می دهد که مردم دشمن خود را کاملاً می شناسند و می دانند سرمایه داری با بانک ها و دم و دستگاه دولت و زندان و پلیس سرکوبگرش مسبب همه بدبختی ها و فقر و فلاکت شان است.

سازمان جوانان کمونیست از همه مردم می خواهد از کار دست بکشند و به خیابان بیایند و به سهمیه بندی و گران شدن بنزین

اعتراض کنند، جمهوری اسلامی نمی تواند در مقابل سیل خروشان اعتراضات مردم مقاومت کند و همانطور که تا حالا ۴۰۰ لیتر سهمیه بنزین اعلام شده برای مصرف هر خودرو از چهار ماه به ۲ ماه تغییر داد. اعتراضات چند روز گذشته همین نکته را تأیید می کند که اگر این اعتراضات ادامه پیدا کند حکومت مجبور است کاملاً عقب نشینی کند و بنزین را با قیمت قبلی به مردم ارائه کند. همچنین جان دستگیر شدگان این اعتراضات به شدت در خطر است و بنا به گزارشات رسیده، این دستگیر شدگان در زندان های جمهوری اسلامی به تحت شدید ترین شکنجه ها هستند و باید در تجمعات خود خواهان آزادی این دستگیر شدگان شویم.

سازمان جوانان کمونیست
۱۰ تیر ۸۶، ۱۰ جولای ۲۰۰۷

جان دستگیر شدگان اعتراضات اخیر در خطر است!

بنا به اخبار دریافتی بیش از ۲۵۵ نفر که در اعتراض به سهمیه بندی بنزین در تهران دستگیر شده اند به زندان اوین منتقل شده و از سرنوشت تعداد زیادی از دستگیر شدگان اطلاعی در دسترس نیست. همچنین خریدستگیری ۱۵۰ نفر در یاسوج دریافت گردیده است. اعتراضات مردم که از سه روز قبل به دلیل جیره بندی بنزین شروع شده است در بسیاری از نقاط ایران همچنان ادامه دارد و رژیم جنایتکار اسلامی تهدید کرده است که این

دستگیر شدگان به مجازاتهای سنگین، یا به اشد مجازات برسند. خامنه ای جانی را وارد معرکه کرده اند تا از مردم "زهر چشم بگیرد" و از دولت احمدی نژاد "قاطعانه" دفاع کند. اما مردم در دفاع از حق انسانی خود برای یک زندگی بهتر کوتاه نمی آیند. اعتراضات این چند روز گذشته تنها گوشه ای از جنگ مردم با اوپاش خون آشام اسلامی است. مردم!

جنگ تمام عیار با مردم شده است و مردم حق دارند دست به مقابله با این آدمکشها بزنند. مردم حق دارند مانع از سهمیه بندی بنزین شوند. در اولین شبی که بنزین سهمیه بندی شد، اوراق عمومی بطور چشمگیری گران شد. رژیم اسلامی می خواهد سفره خالی مردم را بیش از این خالی تر کند. مردم را بیش از گذشته به خاک سیاه بنشانند. اوضاع حساسی است. اگر تعرض افسارگسیخته رژیم اسلامی را با تمام قوا عقب نزنیم این رژیم جنایتکار آماده است تا دست به کشتار دستگیر شدگان اخیر بزند. مبارزه برای آزادی زندانیان

سیاسی و خصوصاً دستگیر شدگان اخیر باید آنچنان سراسری و همه جانبه و گسترده باشد تا رژیم اسلامی سریعاً عقب نشسته و همه دستگیر شدگان را آزاد کند. این رژیم بر دریای خشم و نفرت مردم دست و پا می زند. با مبارزه متحد و سراسری خود این رژیم ضد انسانی را در امواج سهمگین مبارزه خود غرق کنیم.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی همه مردم و سازمانهای بین المللی را فرامی خواند تا برای آزادی دستگیر شدگان

اعتراضات اخیر و همه زندانیان سیاسی، رژیم اسلامی را شدیداً تحت فشار بگذارند. لیست همه دستگیر شدگان را فوراً برای ما ارسال کنید تا در اختیار همه مجامع بین المللی قرار گیرد. هیچ يك از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر نباید گمنام باشند. برای حفظ سلامت این دستگیر شدگان، در اختیار داشتن این اسامی مهم و تعیین کننده است.

کمیته مبارزه برای
آزادی زندانیان سیاسی
۳۰ ژوئن ۲۰۰۷ - ۹ تیر ۱۳۸۶
سخنگوی کمیته: کیوان جاوید

iran_political_prisoner@yahoo.com

اخباری از اعتراضات کارگری در چند روز گذشته بیست و پنجمین تجمع اعتراضی کارگران قوه پارسی قزوین

ورامین: تجمع کارگران شهرداری. کارگران قراردادی شهرداری ورامین روز دوشنبه ۱۱ تیرماه در مقابل شهرداری ورامین تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. این کارگران که در شرکت پیمانکاری شبشم طلایی یاس مشغول کار هستند چندین ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. کارگران آلتیمانوم داده اند که در صورت پرداخت نشدن مطالباتشان دست به اعتصاب خواهند زد.

قزوین: تجمع چندین باره کارگران قوه پارسی

کارگران قوه پارسی قزوین روز ۹ تیر برای بیست و پنجمین بار برای پیگیری به مطالبات خود از ساعت ۸ صبح تا ۱۲ ظهر در مقابل استانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. این کارگران که هفته گذشته نیز خبر برگزار کردن تجمع اعتراضی آنها در مقابل دفتر احمدی نژاد را نیز منتشر کردیم، همچنان پیگیر مطالبات خود، از جمله دریافت حقوق به تعویق افتاده و امنیت شغلی هستند. کارگران قوه پارسی با وجود اینکه ۲۵ بار است برای رسیدگی به مطالباتشان تجمع و اعتراض میکنند، اما تاکنون هیچ

جواب قانع کننده ای از هیچ کسی دریافت نکرده اند.

تهران: تجمع اعتراضی کارگران شرکتهای وابسته به برق تهران

کارگران ۴ شرکت وابسته به اداره برق تهران در اعتراض به مطالبات معوقه خود از این واحدها، روز ۱۱ تیر در مقابل اداره برق تهران در سعادت آباد تجمع کردند. این ۴ شرکت عبارتند از تدبیر نیرو، ساخت نیرو، خدمات ترابری برق تهران و برق آرا. مطالبات کارگران از جمله عبارتند از امنیت شغلی و حقوق معوقه. در پایان این تجمع، مدیر

عامل شرکت برق تهران وعده داد که برای حل مشکلات کارگران با شرکتهای مزبور مسئله را مورد بررسی قرار دهد. تا رسیدن خبر، نماینده مدیر عامل برق تهران در حال مذاکره با کارگران بود.

رشت: تومار اعتراضی کارگران ایران نیدل به رئیس جمهوری اسلامی

بنابه خبرهای منتشر شده در روز ۱۲ تیر، کارگران شرکت ایران نیدل رشت، طی توماری به احمدی نژاد خواستار رفع مشکلات خود شدند. در قسمتی از این تومار آمده است که کارفرما طی دو مرحله اقدام به بازخریدی و اخراج کارگران کرده و با پایان مدت قرارداد، باقیمانده کارگران به از ۲۶۰ نفر به

۵۰ رسیده و جوی در کارخانه حاکم شده که در پایان شهریور، بقیه کارگران نیز اخراج خواهند شد. کارگران همچنین گفته اند که طی مراجعات مکرر به اداره کل کار و امور اجتماعی گیلان، نتیجه ای حاصل نشده و همه دستگاههای دولتی از قبیل استانداری و اداره کار به دلایل مختلف حق را به کارفرما میدهند و کارگران همچنان مورد ستم و استعمار کارگران قرار میگیرند. کارگران در پایان تومارشان خواهان رسیدگی به وضعیت بیکاری در استان گیلان شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیر ۱۳۸۶ - ۳ ژوئیه ۲۰۰۷

دستگیری دوفتر از فعالین و اخراج چهار کارگر شرکت واحد

ابراهیم مددی و رضا نعمتی دستگیر شدند

بنابه خبری که امروز به حزب رسید، صبح امروز ۱۲ تیر، ۲ تن از فعالین سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ابراهیم مددی و رضا نعمتی در حالی که بنابه قرار قبلی به اداره کار استان برای پیگیری خواست بازگشت به کار و گرفتن مطالبات خود مراجعه کرده بودند، به محض ورود به ساختمان این اداره، توسط کلانتری بهارستان دستگیر شدند. تا هنگام ارسال این خبر این دو فعال کارگری همچنان در بازداشت به سر میبردند. سندیکای شرکت واحد در اطلاعیه ای خبر دستگیری ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکا را اعلام و اضافه کرده است که ماموران رژیم گفته اند که ایشان باید شب را در کلانتری بماند و فردا به ناحیه ۱۲ شعبه ۶ ضلع شمالی

پارک شهر برده خواهد شد.

کارگران تعلیقی شرکت واحد اخراج شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی ایلنا، اداره کار رأی به اخراج ۴ کارگر تعلیقی دیگر شرکت واحد داد. سعید ترابیان، یکی از کارگران تعلیقی شرکت واحد به ایلنا در روز ۱۰ تیر میگوید: هیأت های حل اختلاف اداره کار شهر تهران تاکنون علاوه بر تأیید احکام اخراجی که در هیأت های تشخیص این ادارات برای گروه ۵۴ نفری فعالان تعلیقی شرکت واحد صادر شده، برای ۴ کارگر دیگر حکم اخراج صادر کرد. او در ادامه گفته است: این ۴ نفر قبلا از هیأت تشخیص، رأی بازگشت به کار گرفته بودند که با اعتراض کارفرما و مدیریت شرکت واحد، هیأت حل اختلاف مسئول رسیدگی به پرونده

آنها شده بود.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات کارگران شرکت واحد قاطعانه حمایت میکند و همه مردم آزادیخواه را به حمایت از مبارزات کارگران واحد برای بازگشت به کار، و همچنین رسیدگی فوری به مطالباتشان فرامیخواند و تجمع اعتراضی در خرم آباد اعتراضی زدند. دستمزدهایشان به مدت ۵ ماه و عدم راه اندازی خط تولید این شرکت روز ۹ تیر در مقابل استانداری حزب دستگیری و اذیت و آزار فعالین کارگری را قویا محکوم کرده و خواهان آزادی بدون قید و شرط آنها و همه زندانیان سیاسی می باشد.

**آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیر ۱۳۸۶ - ۳ ژوئیه ۲۰۰۷**

برنامه های تلویزیون انترناسیونال

برنامه های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه هات برد، از ساعت ۳ و نیم تا ۴ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی، ۵ تا ۶ صبح به وقت لس آنجلس) از کانال یک پخش میشود.

این برنامه هرشب از ساعت ۱۰ و نیم تا ۱۱ و نیم ظهر به وقت ایران، ۱۲ تا ۱ نیمه شب به وقت لس آنجلس، ۹ تا ۱۰ صبح به وقت اروپای مرکزی تکرار میشود.

آدرس کانال جدید:

<http://www.channelonetv.com> برای تماشای

مستقیم

شماره تلفن تماس با کانال جدید: 001-323 284 42 82

سازمان جوانان کمونیست برگزار می کند

جلسه پانلتی: **اوضاع سیاسی ایران و ۱۸ تیر**

سخنرانان: **مصطفی صابر، شهلا دانشفر، نوید مینائی و کیان آذر**

تاریخ: پنجشنبه ۱۴ تیر ۸۶، ۵ جولای ۲۰۰۷

م ساعت: ۲۲ ایران، ۲۰/۳۰ اروپای مرکزی

اسم اتاق: 18tir va ozae siasi dar iran

کاتگوری: Asia, Pacific, Oceania

مساب کاتگوری: Iran

این جلسه همزمان با پانلتک در باهو هم برگزار می شود. برای شرکت در جلسه، به آی دی cyoiran در باهو پیام بدهید.

در لحظات آخر انتشار ایسکرا، اطلاع یافتیم که ابراهیم مددی و رضا نعمتی امروز چهارشنبه ۱۳ تیر ماه ۸۶ از زندان آزاد شدند.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!